

دیکسیونر شخصی ناصرالدین شاه قاجار (دفترچه لغت - معنی فرانسه)

محمدرضا بهزادی^۱

حمیده سلطانعلی دستجردی^۲

ناصرالدین شاه در میان پادشاهان ایران از این حیث که صاحب قلمی روان و بسیار نویس بود، به نظر یگانه است. اگر تمام نوشته‌های موجود از پادشاهان ایران را یک کاسه کنند و به چاپ برسانند، در قبال مجموع نوشته‌های دستخطی و مطبوع او (آنچه بر جای مانده و می‌شناسیم) صحبت کاه و کوه است. تعداد مجلدات سفرنامه‌ها و یادداشت‌های روزانه‌اش از ده مجلد در می‌گذرد. دستوره‌های حاشیه نویسی بر عریضه‌ها و نامه‌های دولتی حتماً بیش از این میزان خواهد بود و صفحات آن کتاب‌ها نیز فراتر می‌رود. وی به شنیدن مطالب و مقالات روزنامه‌های فرانسوی شوقی فراوان داشت. همه روزه تقریباً یکی دو ساعت برایش روزنامه می‌خواندند^۳ و در حضورش ترجمه می‌کردند. محمد حسن خان اعتماد السلطنه و گاهی دکتر تولوزان و گاهی علینقی حکیم‌الممالک این وظیفه را عهده‌دار بودند. در این بین، گاهی نیز شاه خودش روزنامه می‌خوانده است.

ناصرالدین شاه به فراگرفتن زبان فرانسه علاقه‌مند بود. اگر چه در این مرحله توفیق چشمگیری نیافت، ولی می‌کوشید گاهی به آن زبان صحبت کند و گاهی چند کلمه‌ای بنویسد و احیاناً آن گونه که گذشت، روزنامه یا کتاب بخواند. در کتابخانه ملی و آرشیو اسناد تاریخی وزارت امور خارجه، نوشته‌ها و مطالب زیادی

1. Qajarstudy@gmail.com

2. Dastjerdiham@gmail.com

۳. به گفته دکتر یوهانس فوروریه، چون موقع صرف غذا می‌رسد، یعنی بین ساعت یازده و نیم تا ظهر، شاه به شنیدن ترجمه روزنامه‌های فرانسوی می‌پردازد.

ديکسيونر شخصي ناصرالدين شاه قاجار / محمدرضا بهزادي - حميده سلطانعلي دستجردي

در يادداشت‌ها و حتي در حاشيه نامه‌ها و نقاشي‌هايش به زبان فرانسه ديده مي‌شود. همچنين در برخي موارد، کلماتي رمزآلود و پوشيده را نيز به فرانسه در حواشي برخي يادداشت‌هايش و تعدادي از نسخه‌هاي خطي و چاپي کتابخانه سلطنتي مي‌نگاشته که تعدادي از آنها نام برخي از همسرانش در مسافرت‌هاي شکار و برخي وقايع مربوط به آنهاست که نگارنده اول آنها را هم در کتابخانه ملي و هم در کتابخانه سلطنتي ديده است. گاهي هم مطالب را به خط فارسي برمي‌گرداند و معنای آن را زيرش مي‌نوشت. همچنين کتاب‌هاي زيادي در تالار ايرانشناسي کتابخانه ملي به فرانسه موجود است که يادداشت‌هاي آن پادشاه در کنار آنها ديده مي‌شود و حکايت از آن دارد که آن کتاب‌ها را نيز مي‌خوانده و مي‌ديده است. او پيوسته کوشش مي‌کرد به هر طريق اين زبان را فراگرفته، بدان تکلم نمايد و از کتب و روزنامه‌هاي فرانسوي استفاده کند.^۱ اعتمادالسلطنه در يادداشت‌هايش درباره فرانسه داني ناصرالدين شاه آورده است:

پنجشنبه، سيزدهم جمادي الثاني ۱۲۹۸؛

ناهار خوردند، روزنامه خواندند، خلاصه باز درس خواندند. پانزده سال است که من درس مي‌گويم و ده سال قبل از من معتمدالملک و پيش از او حکيم کلوکه و درزمان وليعهدي و ايالت تبريز جمعي ديگر درس داده بودند. ماشاء الله از شدت کار يا پريشاني خيال هيچ فرانسه نمي‌دانند، زيرا که مثل ساير کارها از راه اصولش بر نمي‌آيند. تصور مي‌فرمايند که تعليم و تعلم مشابه سلطنت مستقل ايران است که به بوالهوسي مي‌توان تحصيل کرد. لا والله. درس چيز ديگر است.

با اين وجود، هم او فرهنگ فرانسه فارسي ناقصي به عنوان اينکه تأليف ناصرالدين شاه است در قطع جيبی به سال ۱۲۹۶ هجري قمری در تهران طبع کرده و در خاطراتش مطالبی پيرامون زبان آموزی ناصرالدين شاه آورده است که در زير برخي از آنها را مي‌آوريم:^۲

چهارشنبه، بيست و يکم شعبان ۱۲۹۲؛

بعد به من فرمودند روزنامه عرض کنم. به قدری خوب ترجمه کردم که شاه زياد از حد تمجيد فرمودند، به فرانسه و فارسي به قدری التفات فرمودند که از حال من بيرون بردند.

دوشنبه، هفتم شعبان ۱۲۹۸؛

خلاصه در سر ناهار روزنامه خواندم. بعد از ناهار درس دادم. حضرت همايون به واسطه اينکه فارغ از کارهاي دولتي باشند، تحصيل فرانسه را شروع کرده اند. فرمودند که منزل نرو، باش درس بخوانم.

سه شنبه، پانزدهم شعبان ۱۲۹۸؛

الي عصر آنجا تشريف داشتند. درس خواندند. ترتيب درس را جور مخصوص دادم انشاءالله اگر اين طور يي بفرمايند، شايد بتوانند به زودي فرانسه حرف بزنند، اگر عدم ثبات تغيير ندهد.

۱. بياني، خانابا، پنجاه سال تاريخ ايران در دوره ناصري، مستند به اسناد تاريخي و آرشيو، تهران، نشر علم، ج.

اول، مجلد اول، ۱۳۷۵ ش، ص ۲۰۷.

۲. براي آگاهي فزون‌تر بنگريد به: مباحث فرهنگي عصر ناصري، برگرفته از روزنامه خاطرات اعتمادالسلطنه، به کوشش ايرج افشار، مؤسسه انتشارات اميرکبير، تهران، ۱۳۸۰.

دیکسیونر شخصی ناصرالدین شاه قاجار / محمدرضا بهزادی - حمیده سلطانی دستجردی

پنجشنبه، اول رمضان ۱۲۹۸؛

قدری روزنامه در سر ناهار عرض شد. عصر مفصل و مشروح کتابی بسیار مشکل شاه به فرانسه خواندند و من ترجمه کردم.

دوشنبه، پنجم رمضان ۱۲۹۸؛

در حالی که من نشستہ بودم، روزنامه عرض می‌کردم، ولیعهد هم نشستہ بود. تفصیل درس فرانسه از ایشان سؤال کردند. عرض کرد که شروع کردم چون مشکل بود تعاقب نکردم. شاه از خودشان تعریف کردند که اگر مشاغل سلطنتی نبود هر آن گاه ده زبان و چند علم تحصیل کرده بودم.

پنجشنبه، هشتم رمضان ۱۲۹۸؛

بعد از ناهار قدری کتاب تاریخ ناپلئون را خواندند، قدری گرامر خواندند.

جمعه، نوزدهم ذی‌القعده ۱۲۹۸؛

دیروز در قصر قاجار محرمانه به من فرمودند که امشب را عشرت آباد بیایم. فرانسه فرمودند کسی نفهمد. شنبه، بیست و ششم ذی‌الحجه ۱۲۹۸؛

به من فرمودند نزدیک پادشاه نشستہ، روزنامه بخوانم. شاهزاده‌ها خیلی تعریف کردند. شاه فرمودند من خودم همینطور ترجمه می‌توانم بکنم.

شنبه، هجدهم محرم‌الحرام ۱۲۹۹؛

الی عصر بودم. کتاب و روزنامه خوانده شد. ... میل مبارک در عالم به سه چیز است: شکار و روزنامه و کتب فرانسه و سنگ معدن.

چهارشنبه، بیست و سوم جمادی الاولی ۱۲۹۹؛

به شاه عرض کردم اگر درس نمی‌خوانید بروم. فرمودند نمی‌خوانم.

دوشنبه، یازدهم رجب‌المرجب ۱۲۹۹؛

به حساب خود خواستند اظهار لطف فرمایند، قدری به فرانسه، قدری به فارسی اظهار لطف فرمودند.

چهارشنبه، هجدهم شعبان المعظم ۱۲۹۹؛

باز درس فرانسه شروع شد و تاریخ اسکندر خوانده شد.

یکشنبه، بیست و یکم رمضان المبارک ۱۲۹۹؛

شاه شروع به خواندن روزنامه مصور فرانسه فرمودند. راه درس و تحصیل خود را می‌خواهند از این به بعد، از این جاده قرار بدهند.

پنجشنبه، بیست و ششم ذی‌الحجه ۱۲۹۹؛

خاطر مبارک قبل از شام به خواندن درس فرانسه میل فرمودند.

یکشنبه، بیست و سوم رمضان المبارک ۱۳۰۰؛

خدمت شاه رسیدم. روزنامه ایلوستراسیون که شرح فوت یکی از معارف فرانسه بود، طلوزان (دکتر تولوزان) می‌خواند و من ترجمه می‌کردم... اگرچه حکیم طلوزان به فرانسه می‌خواند و من به فارسی ترجمه

ديکسيونر شخصي ناصرالدين شاه قاجار / محمدرضا بهزادی - حميده سلطانعلی دستجردی

می‌کردم، بندگان همایون که غالب مطالب فرانسه را می‌فهمند و ملتفت بودند که من در ترجمه کم و زیادی نمی‌گویم... .

یکشنبه، نوزدهم ربیع‌الثانی ۱۳۰۱؛

میرزا سعید خان وزیر خارجه به واسطه عداوتی که با من دارد، اخبارم را نداده بود که به جهت ترجمه حاضر باشم. میرزا عبدالله خان پسر صدیق‌الملک را برای مترجمی تراشیده بودند. میرزا عبدالله هم از عهده ترجمه برنیامده بود. شاه که فرانسه را خوب می‌داند ملتفت شده بود، بارون نریمان را که حضور داشت، او را به ترجمه واداشته بود.

جمعه، چهاردهم محرم‌الحرام ۱۳۰۳؛

دوشان تپه تشریف بردند. چهار پنج روزنامه خواندم. درس خواندند... ملیجک دو سه لغت فرانسه آب و نان یاد گرفته، چنان شاه مشعوف شدند، مثل اینکه هندوستان ضمیمه مملکت ایشان شده.

چهارشنبه، ششم محرم‌الحرام ۱۳۰۴؛

عید مولود شاه است...^۱ کتابی در تاریخ اعراب خیلی گرانبها به زبان فرانسه تقدیم حضور شاه نمودم... قدری خودشان با سفرا فارسی و فرانسه حرف زدند.

جمعه، اول ربیع‌الثانی ۱۳۰۴؛

به من فرمودند حقیقت این است من می‌خواهم بعد [از این] درس فرانسه بخوانم. هر روز صبح زود و دو ساعت به غروب مانده حاضر باش که دو وقت درس بخوانم.

یکی از نشانه‌های علاقه‌مندی او به زبان فرانسه، کتاب لغت فرانسه به فارسی (حرف آ تا د) است، یعنی جلد اول که ناصرالدين شاه شخصاً به تهیه آن اقدام کرده بود و آن گونه که پیشتر آمد، با ویراستاری اعتمادالسلطنه در سال ۱۲۹۶ هجری قمری به چاپ سربی با حروفچینی رسید و انتشار یافته است.^۲ برای آنکه مطلب روشن‌تر باشد مناسب است که چند سطر از مقدمه آن کتاب را در اینجا بیاوریم.

اعلیحضرت اقدس همایون شاهنشاه جمجاه، ناصرالدين شاه - خلد الله ملکه - تصمیم عزم دادند که توجهات پدرانۀ خاطر خطیر مبارک را درباره امور متعلقه به ترقی و مدرکات عقلی ملت خود مجدداً میرهن و مدلل فرمایند.

از آنجا که در پیشگاه ضمیر منیر مقدس محقق است که علم و دانستن زبان فرانسه از برای معاشرت و رابطه با دول و تحصیل علوم جدیدۀ نهایت مفید می‌باشد، بنا برمراحم و الطاف ملوکانه قصد فرمودند که تحصیل این زبان را در میان رعایای خود منتشر و معمول نمایند و خود به نفس نفیس همایون بذل مجاهدت فرموده، مجموعه‌ای از لغات معموله کثیرالاستعمال را جمع و معانی آنها را به زبان فارسی نگاشته

۱. بر طبق تقویم هجری شمسی.

۲. محبوبی اردکانی، حسین، چهل سال تاریخ ایران در دوره پادشاهی ناصرالدين شاه، تهران، اساطیر، ج. دوم، ۱۳۸۰، ش، ص ۴۳۳.

دیکسیونر شخصی ناصرالدین شاه قاجار / محمدرضا بهزادی - حمیده سلطانی دستجردی

به عباره آخری کتاب لغتی جامع از فرانسه به فارسی تألیف و تصنیف فرمودند. این مجموعه لغت فرانسه و فارسی که عمده و اولینشان و اعتبار آن این است که از مصنفات ذات ملکوتی صفات همایون است، محسنات دیگر را نیز داراست که اگرچه در جنب حسن اولین چندان اهم نیست، ولی باز در شمار مهمات است و ما به تذکار آنها پرداخته، اظهار می‌نماییم که این نگارش اعلا انواع و اقسام ترقیات متوالیه را که دولت علیه به تشویقات و توجهات حسنه اعلی حضرت خسرو صاحبقران عز نصره نموده و می‌نماید از نو به منصفه ثبوت رسانیده، جلوه شهود می‌دهد و این اول کتاب فرانسه است که در دارالخلافة ناصری در دارالطباعة خاصه دولت علیه ایران به حلیه طبع می‌رسد.

ناصرالدین شاه به جز زبان فرانسه به فراگرفتن زبان‌های انگلیسی و آلمانی و روسی هم تمایل نشان می‌داد و گاه به گاه به اقتضای سیاست روز عالم و احوال حکومت ایران، به آموختن یکی از آن زبان‌ها می‌پرداخت.^۱

در این باره اعتماد السلطنه در یادداشت‌هایش می‌نویسد:

پنجشنبه، بیست و سوم ربیع الثانی ۱۳۰۱؛

در بین راه به میرزا احمد مترجم روسی رسیدم... قرار شده است در سفرها ملتزم رکاب باشد و درس روسی به شاه بدهد. ماشاءالله شاه سی سال است متصل درس فرانسه می‌خوانند، هنوز نمی‌توانند مکالمه نمایند، حال روسی می‌خوانند.

توصیف نسخه خطی دفترچه لغت - معنی فرانسه

این دفترچه یادداشت که در آن لغات و اصطلاحات فرانسه و معانی فارسی آنها درج شده است، دفترچه‌ای در قطع $۹/۵ \times ۱۵/۵$ سانتی‌متر و دارای ۸۷ برگ (مجموع برگ‌های نگارش شده و سفید) است. کاغذ آن فرنگی، سفید متمایل به زرد کم‌رنگ و در متن دارای علائم راده و آب نقش (آب نشان) است. دفته رو و پشت جلد (دفتین) تیماج به رنگ بنفش تیره و آستر و بدرقه، کاغذ ابر و باد فرنگی کار بوده، و در هر دو طرف دفتین آستر و بدرقه به همان صورت وجود دارند.

دور دفتین، یک خط طلاکوب بسیار ظریف وجود دارد که به مرور زمان برخی از قسمت‌های طلاکوب آن رنگ و رو رفته و یا جدا شده است. روی دفته روی جلد، برچسب پاکت (لیبل) ارغوانی تیره‌ای که مخصوص چسباندن به پشت پاکت‌های ارسالی از دربار بوده است، چسبانیده شده. چاپ روی برچسب، به رنگ طلایی و برجسته با نوشته، السلطان بن السلطان بن السلطان بن السلطان با تصویر شیر در حالت نشسته (خوابیده) که خورشید از پشت آن هویداست؛ با شعاع نور در اطراف آن و جمله السلطان ناصرالدین شاه قاجار در قسمت پایین دیده می‌شود. این شکل برچسب، بیضی و در اندازه ۱۲ میلی‌متر در چندین رنگ

۱. مباحث فرهنگی عصر ناصری، برگرفته از روزنامه خاطرات اعتماد السلطنه، به کوشش ایرج افشار، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۸۰، ص ۱۰ و ۱۱.

دیکسیونر شخصی ناصرالدین شاه قاجار / محمدرضا بهزادی - حمیده سلطانی دستجردی

از جمله آبی سبز و آبی نیلی چاپ شده بود. در اثر برخورد دست و مداومت استفاده از دفترچه به عنوان دیکسیونر شخصی شاه، برچسب پاره و در برخی قسمت‌ها افتادگی دارد. علاوه بر صفحاتی که در آنها لغات و اصطلاحات نگارش یافته، تعداد زیادی از صفحات سفید و شروع نوشتجات به سنت مرسوم نگارش لاتین از سمت چپ دفترچه است.

بر روی عطف (قسمت پایین) برچسب کوچکی وجود دارد که با مرکب مشکی عبارت دفتر کوچک لغت فرانسه روی آن نگارش یافته است.

تعدادی از لغات و معانی با جوهر بنفش، برخی با جوهر مشکی و چند صفحه نیز با جوهر بنفش کمرنگ (رنگ و رو رفته) به نگارش درآمده که تعدادی به نظر می‌رسد با قلم ریز فلزی و برخی با قلمی درشت‌تر به دست خط کسانی غیر از شاه (بعید به نظر نمی‌رسد که مابقی از آن اعتمادالسلطنه یا میرزای فروغی نباشد) نگاشته شده باشد. در بالای برخی از صفحات، شماره صفحه به لاتین گذاشته شده که به نظر می‌رسد دستخط شاه باشد. در بالای برخی صفحات نیز شماره صفحه‌ها با مداد و فارسی نگارش شده که به نظر می‌رسد از آن مفهرسین بوده و برای شمارش صفحات در طول فهرست‌نویسی گذاره شده باشد.

تعداد برگ‌های نگارش شده ۴۷ برگ و به طور متوسط از یازده سطر (یازده عدد لغت و معنی در هر صفحه) تا سی و دو سطر (سی و دو عدد لغت و معنی در هر صفحه)، سطرهای نوشته شده، متغیر است.^۱ روی بدرقه دفه پشت جلد، برچسب کتابخانه دولت علیه ایران (نوع آ)^۲ چسبانیده شده است. در منتهی الیه بالای آن، سمت چپ، مهر گرد (که به نظر می‌رسد از جنس لاستیک، بلور و یا حتی فلزی بوده است) کتابخانه دولت علیه ایران، ۱۳۲۹ گرداگرد و نقش شیر و خورشید ایستاده با تاج کیانی در بالای آن، در وسط آمده که به علت قرار گرفتن روی نقش‌های کاغذ ابر و باد بدرقه، تنها بخشی از آن که روی برچسب قرار دارد، قابل ملاحظه است. شماره ثبت این دفترچه در کتابخانه سلطنتی، ۱۰۹۸ بوده است.

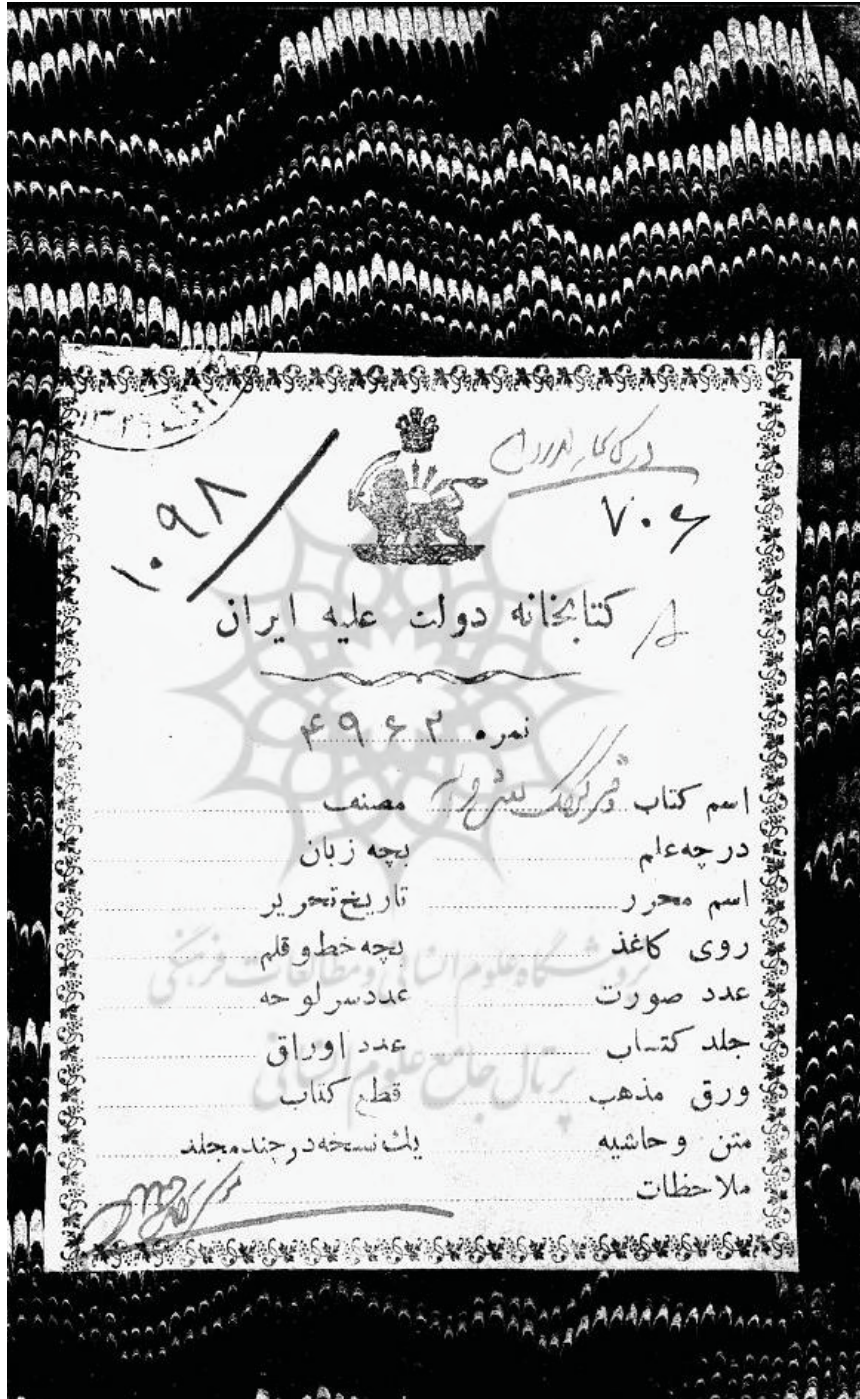
چون از دیدگاه تاریخی و ارزش استنادی، این نسخه منحصر به فرد است، با حذف برخی از صفحات که به دستخط ناصرالدین شاه نبوده یا برخی از بخش‌های دفترچه که آوردن آنها با توجه به نگارش برخی لغات مستهجن و معانی فارسی آنها، مقدور نبود، مابقی نسخه، به صورت نسخه برگردان در انتهای این مقاله به زیور طبع آراسته می‌گردد تا از گزند فراموشی و دست حوادث روزگار مصون باشد.

در انتها برخویش واجب می‌دانیم که به خاطر پس و پیش بودن و عدم قرارگیری صفحات در پشت سر هم، با توجه به شماره‌های مندرج در بالای آنها، آن گونه که توضیحش از مقابل دیدگان شما گرامیان گذشت، پوزش و عذر بخواهیم.

۱. این بخش با بازبینی اصل نسخه توسط نگارنده در تالار خوارزمی، تالار نفایس خطی کتابخانه ملی، و یاری جستن از فهرست نسخ خطی کتابخانه ملی، تالیف سید عبدالله انوار، به نگارش درآمده است.

برای آگاهی فزون‌تر بنگرید به: انوار، سید عبدالله، فهرست نسخ خطی کتابخانه ملی ایران، تهران، کتابخانه ملی، چ. دوم، مجلد دوم، ۱۳۶۹ ش.، ص ۲۱۴.

۲. تفاوت آن با نوع دیگر، (نوع ب) در تصویر شیر و خورشید ایستاده با تاج کیانی است.



péristyle
درفت ستون ۴ در جلو
یک رخسار بنا میزند

dépendance
مستقلات یک جا یا بهر رخسار و غیره

chauvin وطن پرست
chauvinisme
اصولت
سالنه که در وطن
پرست و وطن پرستانه
کتابچه با عنوان بدون عقاید است
مدت و در راه میگردند و مفر
در پوکتی خود بکشند
chauvinisme

empiètement
empiéter
ترتبه باز
(*La mère angot*)
مادر و قور کون



sauter-mouton
بازر حقیقت پارک
La balle cavalière
توب بازر کوما میزند

پیام بهارستان / ۲۵، ش ۱۸ / زمستان ۱۳۹۱

adverbe 2	
معین: فعل	
aujourd'hui	امروز
auparavant	قبل از این
autrefois	سابقاً
a l'avenir	بعد از این
a la longue	مردم
a l'instant	الآن
a l'oisir	سرفروش
a présent	حال
après demain	پس فردا
a temps	لوقت

a temps perdu	بهر وقت 3
au plus tard	بهر وقت
au plus tôt	بهر وقت
avant hier	پروز
a jamais	همیشه
ailleurs	جا دیگر
à côté	بجانب
à droite	لطف راست
à gauche	لطف چپ
à l'écart	در کنار
assurement	یقیناً
anciennement	سابقاً
à cheval	سوار
à contre cœur	به اجبار

à contresens	۴
à contresens	برعکس
à crédit	نسبه
à dessein	از قصد
à la hâte	به تعجیل
à l'amiable	به دست
à l'endroit	موقع بی
à l'enver	واردند
à l'improviste	با خبر ناکهان
à propos	موقع
à merveille	
à merveille	خاصه
à pied	به
à reculons	به قهقرا
à sec	
à sec	خش
à taton	کور کورانده

à vide	۵	خ ۱
à toute force		بهر قوت
au contraire		برضد
au dépourvu		با ترکه
au hasard		بر حسب اتفاق
à rebours		وارونه
après		بعد
avant		قبل
à la fois		بیک دفعه
assez		تقریباً
aussi		و نیز
autant		آنقدر
au moins		حداقل
au plus		بیشتر از این
a bon compte		در زمان
a bon marché		در زمان

à	به
après	بعد
attendu	مستظلم
avant	پیش از
avec	با
chez	نزد پیش
comme	مثل
concernant	درمعرض
contre	برضه
dedans	درون داخل
depuis	از مدت
derrière	عقب
dès	از (نسبت به وقت
devant	جلد
durant	مدت
en	در
entre	میان
envers	نسبت به
environ	تقریباً

est excepté	۱۶	بجز
hors		برون خارج
hors		بعین
joignant		نزدیک متر
malgré		با وجود
moyennant		در انظار
nonobstant		با وجود
oultre		سلبه
par		از بواسطه
parmi		میان
pendant		در مرتب
pour		بر
proche		نزدیک
sans		بدون
sauf		گذشته بجز
selon		مطابق
sous		زیر

<i>suivant</i>	موافق
<i>sur</i>	رُسر
<i>touchant</i>	مُخِیبِ دَرَبِی
<i>vers</i>	بِطَرَفِ بَکَمَت
<i>voici</i>	اِنِّیْ هِ اِکِن
<i>voilà</i>	اِنِّیْ هِ اِکِن
<i>vu</i>	نَظَر
<hr/>	
<i>bon</i>	
<i>bientôt</i>	عِنْفَتِیْب
<i>constamment</i>	عِ الدوام
<i>demain</i>	زَوا
<i>dernièrement</i>	دَر اِنِّیْ اِدَاغِ پِشِ نَدِ اِنِّیْ
<i>tantôt</i>	کاه کاه
<i>Longtemps</i>	مَکَمَر
<i>tard</i>	دیر
<i>toujour</i>	مَکَمَر

32
 a mender = اصلاح کردن
 amendement (دوبه کون)
 اصلاح و تعویض در قانون دادن
 patron عام مولود یا اما مالک و مستقر شغل
 = d'un navire ناخدا در کشتی

guyane
 گویان
 این گویان نام در امریک جنوب شرقی است مال سه دولت
 گویان فرانسه گویان انگلیس گویان هولند در وسط قاره
 یک طرفه گویان انگلیس هم در آنجا و نیز زودوئل در این جمهوری
 طرف دیگر
 طرف به شمال برزیل گویان فرانسه و هولند طرف اقیانوس هند
 طرف جنوب فرانسه و انگلیس
 در حقیقت پارکینگ و کاروانسای که این است
 گویان انگلیس georgetown au demerari

پیام بهارستان / ۲۵، سنه، ش ۱۸ / زمستان ۱۳۹۱

3
paramaribo گویین
نیز به گویین

cayenne نیز به گویین فرانسه

prérogative حق مملکت
royale = حق مملکت در بعضی امور

cabale علم جزو نیت و فریب

supplanter به مکر و حیله جایگزین کردن

ruse مکر و حیله

alteration دگرگونی و تغییر

épître مراد مباحث از قبیل شوق و ناله

recrimination هم دگرگوئی و معايب گوی
نیز گفتن بهم

instance التماس

carosse ³⁴ کمانه چهار چرخه

embarrasser ^{باعتنا} به بیخود لاف زدن

procédé ^{مرم} دلالر سترگ رفتن، عن صواب

froncer ^{چین زدن}

fronça le sourcil ^{البرود در هم کشیدن اخم کردن}

cela ne nous regarde pas ^{این با ما ربط ندارد}

cela regarde à... ^{این با او راجع است}

oratoire ^{اطلاق و جملات کردن یا گفتار خوب}

la figure radieuse ^{صورت پر افروخته لذت‌آمیز}

dauphin ^{نوع ماهی بزرگ و پهلوانی}

36

prophétique پیغمبر

prophétiser فرارز غیب را آینه دادن

hautain متکبر باعزاز

vindictif کینه دار کینه کس

défiant با اعتماد

défiance عدم اعتماد

familiarité الفت نفس

s'emporter متغیر خشمگین شدن در راه علم

emporter بردن در زمین رودن بروز برداشتن

complice مشارک در جرم

~~sans conséquence~~

~~بدون نتیجه~~

۱۳۹۶
sans consequence ^{بدون نتیجه}

prendre ombrage ^{رسم کردن زمین}

nécessité ^{لزوم و خوب بودن}

de toute nécessité ^{مکمل}

par nécessité ^{به حکم ضرورت}

céder à la nécessité ^{بمکمل ضرورت تسلیم شدن و دادن}

archer ^{مسفتگان در کنار کمان کش}

champ close ^{محوطه بسته}

égard ^{رعایت با کسی}

reduire ^{کم کردن، کم کردن یا کمتر کردن، یا کمتر کردن به اندازه آوردن، یا کمتر کردن}

^{مبور کردن} ^{برای جامع علوم محفوظ و محفوظ کردن به} s = à

dresser ^{سربال کردن، راست کردن، لفت کردن}

== un plan ^{نقشه کشیدن}

== un contrat ^{قرارداد و توافق بر سر یک کار و عمل}

ز انچه کوهی در صفا ۱۳۵ - مکنه و بزین نفعی ل سیله ام مکنه
pie - griechie

لعبه را بزاد عالم در ایام تولد و بر تعال
infante

بر کون رانن تعاقب کوه
pourchasser

شهر مشهور
impétueux

الفسخ یا نیزه فتح نه
indissoluble

زب
dupè

زب دادن
duper

تخته رولان
litière

صحت دانستن
entretenir

تعبیر
diligence

همین زدن رسته کون است
il à piqué son cheval

altière	مفرد متکبره ۴۵
visière	پیش خیمه
rompre en visière à quelqu'un	بفرا بگمراهی نمود
tournure	طرز سبزه و صفا / ویز و زین ؟ لذیبه و به کفر مکنده
calomnie	آفت
contribuer	معاونت و همکاری نمود
traiter	نگه داشتن / معامله داشتن / رفتار
fourbe	تقلب سیر / علوم انسانی و مطالعات
contrô	کنترل / علوم انسانی
contrôleur	محقق حساب
acquitter	ادار دهن نمود

پیام بهارستان / ۲۵، سه، ش، ۱۸ / زمستان ۱۳۹۱

81

la dite (دائمت)

de la dite (مذرا ایها)

à la dite (به موز ایها)

les dits (جمع)

des dits (مذرا ایهم موز ایهم)

aux dits (به موز ایهم)

détourner (بر کواندن)

se == de... (در بر کواندن از)

écrire (نویسنده گاه ایهم انسانی و مطالعات)

formalité (تشریف کون اتم بوسه در در مجلس)

rempli les == s nécessaires (کفای مقوره مال جامع علوم اتمی)

populace (ادار کفای مقوره معد)

خواص ادبانی قاجار

۸۲

fomenten, fomentation
النجینه خوش کون نانہ کون دشمن تر برفو مسد کون

renaisant باز پیا شد

sans * cesse = در نقطہ آن

gourmande مشت زود

impédimenta (موانع با برکت)

polyglotte چند زبان دان

collaborer همکاری کون

collaboration همکاری

allégation (پروپش گاه علوم انسانی و مطالعات تربیتی)

référer رجوع کون حکم انی

détenir در صحن کفہ داشت

instamment با اصرار و ترفع

ostensiblement اکتفا اعلیٰ

83
 de guerre lasse عین حرمه پس سر آه
 expiré به نفقا رسیده
 congé expiré مرخصی منقضی شده
 guidon بیرق کوهلی
 ceconder همرا کون
 tacitement در صلح
 intelligible آه که نهیبه
 futile بزرگ بود یا نه بود
 affidé امین و موثقی
 aviser خبر دادن مطلع گواندن نامی و مطالعات
 serrurier پلنگر
 valise چمدان
 officier سرتیپ
 officier ادار نظام کون
۱۶۴ جم

qualifier ^{۵۹} توصیف‌گون

Le royaume ne tombera
point en ^{وگت} querouille
نفر بگت در دت من خوفه انا

assouvir sa vengeance
ساکت کردن کینه اش را / نفر کینه ابا نهان را من در کت
envoyer خواستن گرو / بفر کردن quérir

ventre - bien ^{۸۵} منه مانواد در سینه

va - nu - pieds ردم پا برهنه

ventre - saint - gris به نطن قسم

sannois ۹۲ *شکر و فیدر خود پنهان کینه*

hypochondriaque *شکر و خیالی کینه نه ناخوش / دلد و غم ناگه که از خرابی*

toxicophobe *شکر که متور شکر و مسموم*

exalté *کشتار یک در زمین و صبر*

exaltation *و صبر / لغت با و*

geolier *ه لور محس / برکنه سلطنت*

se nantir *بول کفاه دشمن یا آهونه برابر هر ط*

il se l'est tenu pour dit *از نینه و قول کند*

hallucination *خین لوت*

apitoyer *بر هم آرزو*

impeccabilite *بل کف هر*



پیام بهارستان / ۲۵، سه، ش ۱۸ / زمستان ۱۳۹۱